

نگاهی به جدیدترین کتاب تفریط شده توسط رهبر انقلاب

ادبیات

میهمان روح‌الله



پنجشنبه ۸ خرداد ۱۴۰۴ | ۲۱ دی‌الحوجه ۱۴۴۶ | مه ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۴۳۹۹ | صفحه ۱۰۰۰۰ | تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



۱۴۰۰ سال و ۲۶۹ روز گذشت

VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.4329 | THU.MAY.29, 2025 | ISSN:2008-2886

بازار گرم طنزهای گیشه‌پسند روایت سرد سینمای اجتماعی

خنده می‌فروشد
معنا می‌بازد



رهبر انقلاب در دیدار وزیر کشور و استانداران تأکید فرمودند

مبارزه با فساد وظیفه قطعی مدیران

شرط لازم و اول مبارزه با فساد، دور بودن مسؤولان و خانواده‌های‌شان از عوامل فسادزااست



سکوت یا سخن بر سر فاجعه انسانی؟

غزه، محک اخلاقی فلسفه غرب

و امن برای جهان غرب عمل می‌کند؟ این یک اتهام سنگین است اما شواهد موجود، ناگزیر به طرح چنین پرسش‌هایی منجر می‌شود.

■ صدای منتقدان و حامیان: از ژیزک پیچیده تا هابرماس قاطع
در میان فیلسوفان برجسته، اسلایو ژیزک، فیلسوف نامدار اسلوونیایی، همواره به دلیل مواضع غیرمنتظره و تحلیلی‌اش شناخته می‌شود. درباره غزه، او موضعی پیچیده و در عین حال انتقادی اتخاذ کرده است. او در ابتدای درگیری‌ها ضمن محکوم کردن حملات اولیه، بر این نکته تأکید کرد که اسرائیل حق دفاع از خود را دارد اما این تأیید را به سرعت با یک هشدار حیاتی همراه کرد: «حق دفاع از خود، مجوز برای خشونت نامتناسب و کشتار بی‌رویه غیرنظامیان نیست». ژیزک به سرعت به عمق مساله فلسطین و

ریشه‌های تاریخی آن پرداخت و با نقد آنچه «تأدیه گرفتن ریشه‌های تاریخی بحران» می‌خواند، بر لزوم درک «نامیدی عظیم و سردرگمی فلسطینی‌ها»، به عنوان مردمی که دهه‌ها تحت اشغال و محاصره زیستند، تأکید کرد. او همچنین هشدار داد «هیچ صلیحی در خاورمیانه بدون حل مساله فلسطین» وجود نخواهد داشت و سکوت در برابر کشتار غیرنظامیان، بویژه در شرایط کنونی غزه را «همدستی» و «تکرار چرخه خشونت» دانست. موضع ژیزک، تلاشی برای فراتر رفتن از یکجانبه‌گرایی و ورود به پیچیدگی‌های اخلاقی و تاریخی بحران بود؛ تلاشی که او را از اتهام ساده‌سازی و جانب‌داری مطلق مبرا می‌کرد، هرچند برخی همچنان رویکرد اولیه او را به نقد می‌کشند. او در ادامه تحلیل‌های خود، بارها بر این نکته تأکید کرد که «بزرگ‌ترین دشمن اسرائیل، کسانی هستند که ادعای حمایت از آن را دارند اما به آن اجازه می‌دهند اعمالی انجام دهد که اساس مشروعیت اخلاقی‌اش را نابود می‌کند».

در نقطه مقابل، فیلسوفانی چون یورگن هابرماس، متفکر برجسته آلمانی و پدر نظریه «اخلاق گفت‌وگو»، به همراه ۳ روشنفکر آلمانی دیگر (یوزف وایلهوفن، نیکلاس لوهمن و مایکل هرش)، با صدور بیانیه‌ای آشکارا با اسرائیل اعلام همبستگی کردند. این بیانیه، ضمن محکوم کردن حملات اولیه، عملیات نظامی اسرائیل را «موجه» دانست، هرچند بر رعایت اصل تناسب و اجتناب از کشتار غیرنظامیان تأکید کرد

در مقابل، برخی جریان‌های فمینیستی دیگر، به دلایل مختلف از جمله تمرکز بر مسائل داخلی، ملاحظات سیاسی یا حتی ترس از برجسب «پهودستیزی»، موضع قاطعی در قبال غزه نگرفتند. این امر منجر به ایجاد شکاف‌هایی در جنبش فمینیستی شده و انتقاداتی را از سوی فمینیست‌های عدالت‌محور و پسااستعماری به دنبال داشته است. این گروه‌ها معتقدند سکوت در برابر خشونت دولتی و نظامی رژیم صهیونیستی علیه زنان و کودکان فلسطینی، تناقض آشکار با اصول بنیادین فمینیسم دارد.

فلاسفه اخلاق نیز در مواجهه با غزه، به ۲ دسته عمده تقسیم شده‌اند؛ گروهی با استناد به نظریه «جنگ عادلانه» (Just War Theory)، تلاش کرده‌اند اعمال نظامی اسرائیل را توجیه کنند، هرچند بسیاری از آنها بر رعایت اصل تناسب (proportionality) و به حداقل رساندن آسیب به غیرنظامیان تأکید کرده‌اند اما گروه دیگر، با محکومیت شدید کشتار و ویرانی در غزه، استدلال کرده‌اند هیچ توجیه اخلاقی‌ای برای این حجم از خشونت و بی‌رحمی وجود ندارد. این فلاسفه، با تکیه بر اصول جهانی حقوق بشر و اخلاق جهان‌شمول، بر این باورند نقض فاحش حقوق بشر در غزه، هرگونه توجیه نظری را بی‌اثر می‌کند. برخی از این فلاسفه، به وضوح اعلام کرده‌اند: «لا حظ اخلاقی، آن طرف جنگ که محکوم و کارش غیرقابل دفاع است، اسرائیل است و آن طرفی که به لحاظ اخلاقی قابل دفاع است، جریان مقاومت است». این دسته از فلاسفه، بیش از هر چیز بر ضرورت همدلی با رنج انسانی و اولویت دادن به حفظ جان و کرامت غیرنظامیان تأکید دارند.

■ سکوت فلسفه: رسالت فراموش‌شده یا مصلحت‌گرایی؟
در نهایت، فاجعه غزه یک بار دیگر پرسشی بنیادین را درباره رسالت فلسفه در جهان معاصر مطرح می‌کند: آیا فلسفه، تنها به مثابه یک بازی فکری و آکادمیک باقی خواهد ماند یا قادر است صدای وجدان جمعی در برابر بی‌عدالتی‌ها و فجایع انسانی باشد؟ سکوت یا مواضع محافظه‌کارانه برخی فیلسوفان، بویژه در مقایسه با مواضع قاطع آنها درباره مسائل دیگر، می‌تواند به عنوان نشانه‌ای از «فروپاشی اخلاقی فلسفه اروپا» تلقی شود، آنچنان که برخی منتقدان

نظیر حمید دباشی، استاد برجسته دانشگاه کلمبیا، به صراحت آن را مطرح کرده‌اند. وی در مقاله‌ای تند، فلاسفه‌ای چون هابرماس و ژیزک را به دلیل «سکوت شرم‌آور» یا «مواضع پیچیده و مبهم» در قبال فلسطین، به باد انتقاد گرفته و معتقد است در این بحران، فلسفه غرب، بازنده اصلی است و از آزمون اخلاقی خود سربلند بیرون نیامده است.

دباشی و دیگر منتقدان، این سوال را مطرح می‌کنند: چگونه می‌توان به فیلسوفانی اعتماد کرد که در یک مورد خاص (مانند جنبش‌های اجتماعی در غرب یا اعتراضات در نقاط دیگر جهان)، صدای بلند عدالت‌خواهی هستند اما در مقابل یک فاجعه انسانی عظیم که در آن ده‌ها هزار نفر، از جمله زنان و کودکان، کشته شده و می‌شوند، سکوت می‌کنند یا مواضع مبهم می‌گیرند. این انتقاد به «وگانگی معیار» در چارچوب‌های ژئوپلیتیک و منافع قدرت‌های بزرگ غربی تعریف می‌شود.

این وضعیت، بویژه برای دانشجویان فلسفه و نسل‌های جوان‌تر، می‌تواند گیج‌کننده باشد. آنها که فلسفه را به عنوان ابزاری برای نقد قدرت، پرسشگری درباره عدالت و رهایی می‌آموزند، اکنون با نمونه‌هایی از فیلسوفان مواجهند که به نظر می‌رسد در مقابل بزرگ‌ترین جنایات زمانه خود، لکنت زبان گرفته‌اند یا بدتر آنکه به توجیه جنایت صهیونیست‌ها پرداخته‌اند. این وضعیت، می‌تواند به بی‌اعتمادی به نهاد فلسفه و جایگاه آن در جامعه منجر شود.

در جهانی که با چالش‌های بی‌شماری مواجه است، انتظار می‌رود فیلسوفان به عنوان راهبران فکری، به جای پناه بردن به پیچیدگی‌های نظری یا ملاحظات سیاسی، شجاعانه در کنار مظلومان بایستند و نور عقل و اخلاق را بر تاریکی جهل و ستم بنیانند. سکوت در برابر کشتار بی‌گناهان، به معنای نادیده گرفتن یک بحران اخلاقی عمیق است که وجدان بشریت را به چالش می‌کشد. آینده فلسفه، شاید در گرو توانایی آن برای پاسخگویی به این چالش‌ها و بازگرداندن اعتماد به رسالت اخلاقی خود باشد.

تیتیر های امر وز



«وطن امروز» تغییر صداها در واشنگتن را بررسی کرد از «آخرین شانس ایران» تا «فصت طلایی ترامپ»

راز تغییر نفیو

گزارش «وطن امروز» از ناکامی آمریکا و رژیم صهیونیستی در مواجهه با یمن

درس عبرت یمنی

■ گزارش نشنال اینترست از هزینه‌های هنگفت و بی‌تأثیر حمله به یمن

یکی دیگر از جاسوسان موساد در ایران به دار مجازات اوخته شد

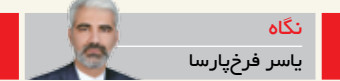
اعدام مدنی

۳۱۸ ضمیمه طنز زا راه

همه صحنه‌ها در شب
فیلمبرداری شود

سیلی به مکرون

وافول سیاست نمایی



در جهان پیچیده سیاست، گاه یک رخداد به ظاهر شخصی، چنان با بار نمادین و لایه‌های پنهان قدرت درهم می‌آمیزد که بدل به نشانه‌ای از تحول در ساختارهای کلان می‌شود. سیلی‌ای که شریک امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه بر صورت او نواخت، اگرچه در سطح اول یک کنش خانوادگی به نظر می‌رسد اما از منظر نشانه‌شناسی سیاسی، می‌توان آن را بازنمایی فروپاشی نرم اقتدار، تزلزل نظم نمادین لیبرالیسم و زوال مرجعیت رسانه‌ای در تولید تصویر از قدرت دانست.

۱- مکرون در طول دوره زمامداری خود کوشیده است چهره‌ای از «رهبر متمدن غربی» با هاله‌ای از خرد سیاسی، گفت‌وگومحوری و اقتدار نرم ارائه دهد. این تصویر، همان روایت کلاسیک رهبری در سنت سیاسی غرب است که بر پایه ترکیب کاریزما، عقلانیت و رسانه‌ها بنا شده است اما تحولات سال‌های اخیر فرانسه، از اعتراضات جلیقه‌زدها تا ناآرامی‌های ناشی از اصلاحات اقتصادی و نژادی، عملاً این روایت را متزلزل کرده است. اکنون انتشار ویدئویی که در آن نزدیک‌ترین شخص به مکرون، او را در مقام رئیس‌جمهور مورد تعرض فیزیکی قرار می‌دهد، به وضوح شکاف میان «واقعیت عینی» و «روایت رسانه‌ای» را برای افکار عمومی جهان برملا کرده است. در نظریه‌های رسانه‌ای، بویژه در چارچوب ساختارگرایی اجتماعی «social constructivism»، اقتدار سیاسی محصول روایت‌سازی مداوم در بستر رسانه‌هاست. هنگامی که واقعیت ثبت‌شده در دوربین، بر این روایت غلبه می‌کند، نه‌فقط یک چهره، بلکه نظامی از بازنمایی‌ها فرومی‌ریزد. سیلی پارتیزان مکرون را می‌توان در این چارچوب، لحظه‌ای بحرانی در «اقتصاد نمادین قدرت» دانست.

۲- اگر تا دیروز افصول نظم لیبرال عمدتاً از منظر تهدیدهای بیرونی – مانند چین، روسیه یا مهاجرت – تحلیل می‌شد، اکنون نشانه‌های فروپاشی از درون ساختار اجتماعی و روابط انسانی رهبران آن بروز یافته است. در دستگاه نظری روابط بین‌الملل، بویژه در سنت انتقادی (critical IR theory)، مشروعیت یک نظم جهانی، بیش از آنکه از قدرت نظامی یا اقتصادی ناشی شود، به انسجام درونی گفت‌وگو قدرت آن وابسته است. وقتی اقتدار رهبر سیاسی، نه در میدان دیپلماتیک بلکه در نزدیک‌ترین حوزه اجتماعی (خانواده) به چالش کشیده می‌شود، این به منزله فروریختن بستر مشروعیت درونی آن نظم است.

ادامه در صفحه ۸